



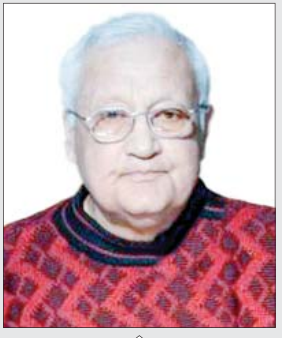
احمد غلامی

انسان امروزی در وضعیت‌های ناپایدار قرار دارد و این ناپایداری با زندگی اش عجین شده است. اگر آدمی زمانی درصدد بود زمان را به سلطه خود درآورد و پایدار کند، اینک زمان او را به سلطه خود درآورد و در دست است. به معنای واقعی در دست بازگوشی‌های زمانه از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و هرگز فرصت «درنگ» ندارد. این بی‌درنگی زندگی آدم را از معنا تهی کرده است. چراکه عمیقا چیزی را تجربه نمی‌کند و طعم زندگی زیسته‌اش را نمی‌چشد. آدمی در مسابقه زمان با خود بازیافته است. زمانی که پرشتاب می‌گذرد، گذشته‌ها را می‌روید و حال را آشوبناک می‌کند و آینده را اضطراب‌آلود. به تعبیر بیونگ چول‌هان، حتی دیگر دوره شتاب‌زدگی به سر آمده است؛ چراکه در شتاب نیز غایت، مبدا و مقصدی وجود دارد اما انسان امروز دچار «زمان‌پریشی» شده است؛ آتمیزه‌شدن زمان، زمانی که دیگر کش نمی‌آید و گذشته در آن حضور ندارد و در این زمان حال پرآشوب هیچ‌کس تعهد و مسئولیتی را نمی‌پذیرد. عهدها و تعهدها به‌سرعت به دست فراموشی سپرده می‌شود و در یک زمان‌پریشی همه‌گیر اهداف و تعهدهای تازه هر دم سر برمی‌آورد. در این وضعیت ما وارث سبستی پریشان، جامعه و فرهنگ و ادبیات و هنری پریشان هستیم. اگر سیاسیون فراموش می‌کنند براساس چه تعهدی روی کار آمده‌اند، مردم نیز همین‌گونه فراموش می‌کنند که آنان چرا بر سر کار آمده‌اند. در جامعه مطالبات تازه سر برمی‌آورد و به‌سرعت کهنه می‌شود. بدون هیچ کامیابی در مطالبه‌گری. انسان امروز کامیاب نیست. مرزه کامیابی را نمی‌چشد و حتی شکست نمی‌خورد. طعم تلخ شکست را نیز تجربه نمی‌کند. درنگ معنایی ندارد. گفته‌ها و عملکردها بی‌درنگ است. مسیر پیش‌رو را منفعت‌ها تعیین می‌کند. مسیری که الزاما به اهداف یا نتایج تعیین‌یافته ختم نمی‌شود. ممکن است منفعتی کلان‌تر مسیر منفعتی خردتر را تغییر بدهد. انسان امروز در این زمان‌پریشی دچار تهوع و سرگیجه است و پریشان‌گو، ناسازگو و فحاش است. مخاطب او هیچ‌کس است و همه‌کس که لحظه‌ای در زمان حال پیدا می‌شود و به‌سرعت ناپدید می‌شود. عمر ستایش‌هایش به میزان دشنام‌ها ناپایدار است؛ پس برای همین برای هر کاری مجاز است. زمانی داستایوفسکی گفت اگر خدا نباشد، همه چیز مجاز است. اینک در زمانه زمان‌پریشی همه چیز مجاز است؛ ظلم، خیانت، زدی، غارت، کشتار انسان‌های بی‌گناه مانند هزاران نفر در غزه و لبنان و اشغال سرزمین‌های دیگران، اگر زمانی خون برحسی آدم‌های دنیا رنگین‌تر بود، این قاعده نیز از بین رفته است. جهان سرمایه‌داری مفهوم درنگ را از بین برده است. یک کالا به‌سرعت تولید می‌شود و جای کالای دیگری را می‌گیرد، حتی کالای کنار گذاشته‌شده به تاریخ نمی‌پیوندد، معدوم می‌شود و اثری از آن در تجربه زیسته آدم‌ها باقی نمی‌ماند؛ چراکه آنان تا می‌خواهند، از چیزی به نام خاطره سخن بگویند. تازه‌آمده زود خودش کهنه می‌شود. گذشته هرگز مزه‌مزه نمی‌شود. این روزها کسی نیست که رؤیای زندگی در یک روستا یا زندگی در جایی در دوردست‌ها را نداشته باشد. رؤیایی که همه می‌دانند در حد همان رؤیا باقی خواهد ماند و تحقق آن را فقط در سفرهای اضطراب‌آلود به شهرهای شمالی ایران می‌توان دید. مسافری در قامت یک هیوم با اشغال سرزمینی برای مدتی کوتاه، بدون درنگ در لحظه‌های زیسته یک سفر؛ «امروز معضل واقعی این است که بازگشتن از زندگی را معنادار به پایان برده». امروز دیگر به‌ندرت کسی از نقاط عطف در زندگی‌اش سخن می‌گوید. نقاط عطف، پایان‌ها، آستانه‌ها و گذرها را مشخص می‌کند. زندگی یک فرایند است. دانش و علم یک فرایند هستند. سیاست یک فرایند است و جامعه در پی یک فرایند متحول می‌شود. اینک این انقلاب یک رخداد است و وقوع آن پیش‌بینی‌ناپذیر است و زمان را دچار گسست می‌کند. بازنشئت‌گرفته از فرایند است. آدم‌های امروز بدون عبور از پایان‌ها، آستانه‌ها و چنین خواسته‌های صرفا به اضطراب‌آلودشان دامن می‌زند. آنچه آدم امروزی را مقهور زمان‌پریشی کرده است، کامیابی و موفقیت‌های ناپهنگام دیگری است. دیگری در قامت پزشک، رئیس شرکت، وزیر و رئیس‌جمهور، در جامعه و سیاست کنونی ایران مصداق‌های بسیاری از آدم‌هایی وجود دارد که بدون تجربه زیسته و طی فرایند به جایگاه بزرگی دست یافته‌اند. رؤسای‌جمهور ایران در همین فضای آشوبناک و در شرایط بحرانی به جایگاه قدرت دست یافته‌اند و در جهانی که چنین با سرعت پیش می‌رود، بعید است آنان قادر به درنگ و وفای به عهد باشند. امروزه آدم‌ها ناپهنگام زندگی می‌کنند؛ ناپهنگام‌ترین می‌شوند و شکست می‌خورند و ناپهنگام می‌میرند. برای گریز از وضعیت ناپایدار باید در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته بود و لحظه‌ای درنگ کرد و لحظه‌ای به زمانه زمان‌پریشی نه گفت.

برای نوشتن این یادداشت از کتاب «رایحه زمانه» جستاری فلسفی در باب هنر درنگ‌کردن» بیونگ چول‌هان، ترجمه فریدا فرونفرد، نشر چشمه استفاده شده است.

شنبه ۱ دی ۱۴۰۳
۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶
۲۱ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۰۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه شرق



مراسم چهارمین سال درگذشت ره‌نورد زریاب و رونمایی از گزیده داستان‌هایش برگزار شد

منتقدی آشنا
برای همه لهجه‌ها

در «شرق» امروز می‌خوانید: تخریب شبانه سینمای محلی کرمان؛ نابودی هویت محلی و خاطره جمعی شهروندان • پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در ایران؛ راه‌حل‌های جهانی برای بحران‌های محلی

گزارشی از بهره‌وری پایین نیروگاه‌ها و اتلاف انرژی که هزینه تولید برق را صعودی و غیراقتصادی کرده است

تولید گران برق



«شرق» از سفر رئیس‌جمهور به مصر و دیدارشان با سیسی و اردوغان برای تلطیف فضای جنگ‌زده خاورمیانه گزارش می‌دهد

قابی نو برای دیپلماسی منطقه

یادداشت

به مبارکی یلدا



غلامرضا امامی

صبح صادق ندمد
تا شب یلدا نرود
دوستان من، یلدا، شب چله، شب
وفاق و شوق عشق است. شب شور و
شادی، زایش نور و مهر.
تاریکی بماند، نماند، برود، نرود،
بیاید، نیاید، چه غم که از دل تاریکی

خورشید زاده می‌شود.

یلدا شب پیروزی پاک، روشنایی، زیبایی و آزادی است بر پلشتی، تاریکی، زشتی و ستمگری. نهراسیم ز شب. در دل تاریکی شب به زایش سپید نور دل بنیدیم.

ایمان بیاوریم، باور کنیم و بدانیم که شب دراز است و سحر نزدیک است. به قول حضرت مولانا:

چون تاریکی دراز آید، بعد از آن روشنایی درآید.

در این خاک پاک که ایران نام دارد، بر زیر این زمین سبز

و زیر این آسمان آبی، هر جا که ایرانی است با همه دردها،

و داغ‌ها، یلدا را که ایوریحان بیرونی «میلااد اکبر» می‌نامد،

گرامی می‌دارد. در رم هم شب یلدا را گرامی می‌داریم.

در ششی سرد و پیروز جمعی بودیم؛ دوستان ایرانی و

ایتالیایی، خرد و بزرگ، کوچک و کلان گرد آمده بودند.

شب شاد خوشی بود. دوستانم و پسرانم امید و نوید

خواستند که قصه یلدا را بازگویم. از تولد مهر و میترا و از

زادروز مسیح که برگرفته از آیین مهر و ست ماست، سخن

گفتم و اینکه مسیحیان روزی از هفته را روزی مقدس، روز

تعطیل روز زایش خورشید، Sunday، می‌نامند.

به سنت مرسوم خواستند از شاعر عاشق، حضرت

حافظ شیرازی، فالی بگیرم و شعری برخوانم و ترجمان

آن را برای یاران ایتالیایی بازگویم. پذیرفتم. دیدگان را

بستم. دیوان حافظ را کشودم. شمع‌ها در میان نور قرمز

دانه‌های باقوت‌قام انار و هندوانه سایه‌روشنی جادویی

آفریده بودند. حضرت حافظ از میان پرده شب به در آمد.

رخ نمود، درخشید و خواند:

صحبت حکام ظلمت شب پلداست

نور ز خورشید جوی بو که برآید

همواره زیبایی و شادی جهان بر جانان روان. دلتان

شاد و شیدایی، شبتان گرم و یلدایی.

از ماجرای سوریه درس بگیریم



مهررداد احمدی شخانی

در خبرهای هفته گذشته بود که تلویزیون دولتی ترکیه، پس از رخدادهای سوریه، به‌سرعت تصمیم گرفته یک شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان راه‌اندازی کند و چنان با سرعت این کار را انجام داده که باعث حیرت است و از اواخر هفته

گذشته خبر رسید که این شبکه فارسی‌زبان، پخش آزمایشی خود را آغاز می‌کند و بزودی روی ماهواره

در دسترس خواهد بود. پیش‌ازاین هم شبکه‌های

مختلفی، چه خصوصی، چه دولتی یا چه آنها که با

سرمایه پنهان و نامعلوم برای کشورمان برنامه تولید

و پخش می‌کردند، از طریق گیرنده‌های ماهواره‌ای

در دسترس بودند و اضافه‌شدن یک شبکه تلویزیونی

جدید اتفاق تازه‌ای نیست، ولی شاید موضوع به همین

سادگی‌ها هم باشد. چند سال پیش و گمان می‌کنم

قبل از پاندمی کرونا بود که تلویزیون بی‌بی‌سی اعلام

کرد پخش بعضی شبکه‌ها به چند زبان مختلف

را به دلیل نداشتن مخاطب و همچنین ضرورت

صرفه‌جویی، تعطیل می‌کند و این به رغم آن بود که

تلویزیون فارسی آن همچنان پخش می‌شود. به این

اضافه کنیم که هر روز کانال‌های جدیدی در پخش

برنامه‌های فارسی، چه تفریحی و تفتنی و چه خبری

و تحلیلی، به جمع شبکه‌های قبلی اضافه می‌شود

و البته همه اینها هزینه‌های درخور توجهی به

دنیا دارد و منطقاً نباید که بی‌مخاطب باشند، والا

مانند همان چند تلویزیون تعطیل‌شده بی‌بی‌سی

به زبان‌های مختلف، این کانال‌های فارسی‌زبان هم،

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

مهررداد احمدی شخانی

برگزیده‌ها

ابراز تمایل رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس خبری سالانه

پوتین آماده مصالحه

برگزاری پنجمین نشست علمی بررسی اندیشه‌های آیت‌الله منتظری به مناسبت پانزدهمین سالگرد رحلت ایشان؛

آیت‌الله منتظری؛ پایبند به رواداری و حامی وفاق ملی

از ممنوعیت حضور زنان تا ذوق‌زدگی ورود آنها

در اصفهان چه خبر است؟

غم اپلیکیشن شاد

یادداشت

سفر به سرزمین عجایب (۴)
فرصت‌های قابل احیا



بژمان جوزی

رئیس انجمن صنعت ساختمان

در آستانه سفرمان از استان بوشهر به هرمزگان، متوجه شدیم سفر به ابوموسی دیگر مجوز نمی‌خواهد و آزادانه می‌توان به ابوموسی سفر کرد. اگرچه شنیدن این خبر برای ما کمی دیر بود، چراکه پیش از آن راینزی بسیاری کرده بودیم تا مجوز سفر به یک جزیره ایرانی را دریافت کنیم، اما شنیدنش خوشایند بود. برخی از جزایر هم همچنان برای ورود نیاز به مجوز دارند. البته استدلال‌ها درست بود؛ حافظان امنیت در برخی از جزایر برای جلوگیری از برخی طمع‌ورزی‌های بیبوده حاضر هستند و تجهیزات لازم برای حفظ و برپایی امنیت به‌گونه‌ای است که سفر به آن جزایر توجیه‌پذیر نیست. اگر چه من معتقدم حضور هر چه بیشتر و گسترده‌تر شهروندان ایرانی در جزایر ایرانی خلیج فارس، امنیت را مستحکم‌تر می‌کند، اما لازمه این امر سرمایه‌گذاری‌های گسترده لازم و کافی در این مناطق است. متأسفانه زیرساخت لازم و کافی برای سرمایه‌گذاری‌های مناسب در همه جزایر موجود نیست و تنها توسعه‌گران واقعی می‌توانند با سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و با تأمین انرژی لازم برای مجموعه‌های توریستی و... دست به اقدام بزنند که لازمه آن حمایت‌های واقعی و ارائه تضمین‌های لازم است. بازدید از جزیره ابوموسی به من نشان داد که این جزیره ظرفیت‌های گسترده‌ای برای سرمایه‌گذاری دارد و در صورت وجود اراده لازم در بخش‌های حاکمیتی، با سرعتی زیاد در آینده ابوموسی رقیب جزیره‌های کیش و قشم در کسب درآمد از گردشگر خواهد شد. چه آنکه همین حالا نیز اگرچه چنین نیست، صرفاً به دلیل آن است که اقدامگاه‌ها و هتل‌های مناسبی در ابوموسی وجود ندارد.

انا لله و انا الیه راجعون آقایان دکتر رامین خسرو خاور و دکتر روزبه خسرو خاور

درگذشت سرکار خانم دکتر رویا خسرو خاور

را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم.

از خداوند سبحان برای آن مرحومه غفران و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزومندیم.

مهدی رحمانیان، کیانوش امیرمظاهری، احمد غلامی

علی دهقان، شهاب طباطبایی، مهدی افشار نیک، علیرضا رحمانیان

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر به اطلاع می‌رسانیم که:

دکتر رویا خسرو خاور

چهره‌ارزش آفرین در صنعت داروسازی، استاد برجسته،

عضو هیئت علمی و مدیرکل سابق تحقیقات و پژوهش

سازمان غذا و دارو دعوت حق را لبیک گفتند. مراسم تدفین

ایشان روز شنبه، اول دی‌ماه ۱۴۰۳، ساعت ۹:۳۰ صبح در

(قطعه نام‌آوران ۲۵۵، ردیف ۵۷ شماره ۵۱۱) بهشت زهرا

برگزار خواهد شد. مراسم یادبود و ترحیم روز دوشنبه

۳ دی‌ماه ۱۴۰۳، از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴:۳۰ در مسجد جامع

شهرک غرب برگزار می‌شود.

خانواده خسرو خاور و منسوبین